

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۸

فصل نامه علمی-تخصصی پژوهش های مهدوی

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲

تجلی امام عصر^{علیه السلام} در آینه شعر معاصر عربی

محسن سیفی*

اسما سلطانی فرد**

چکیده

اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی، امری فطری، عقلی و دینی است که از آرمان های مشترک بیشتر ادیان و مذاهب دنیا به شمار می رود. اندیشه اعتقاد به منجی موعود مسلمانان، مهدی منتظر^{علیه السلام} - همو که قیام و دعوتی جهانی دارد و برای نجات بشر می آید - در آینه شعر نیز نمایان شده و بر این اساس، مهدویات - که یکی از موضوعات شعری شیعی به شمار می آید - گستره وسیعی از ادبیات شیعی را در دوره های گوناگون فراگرفته است. شاعران معاصر عربی نیز در شعر خود ارادت خالصانه خویش را به محضر امام عصر^{علیه السلام} اظهار داشته اند و در زمینه ها و موضوعات گوناگون درباره آن حضرت به سرایش پرداخته اند.

این نوشتار بر آن است تا به بررسی اشعار برخی از شاعران معاصر عربی در زمینه مهدویت بپردازد و بازتاب مفاهیمی همچون غیبت، بهره مندی مردم از امام غایب، انتظار، دادخواهی، دعوت به قیام و برپایی حکومت عدل را در اشعار آنان تبیین و تحلیل کند.

واژگان کلیدی

امام عصر^{علیه السلام}، غیبت، انتظار، شعر معاصر عربی، قیام.

* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان (motaseifi2002@yahoo.com)

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی.

مقدمه

اعتقاد به ظهور نجات بخش جهانی در میان همه انسان‌ها به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود. همه در درون خود انتظاری را احساس می‌کنند؛ انتظار این که از وضع موجود به در آیند و به وضعی ایده‌آل دست یابند. این اعتقاد کهن در فطرت انسان و در دعوت تمامی پیامبران ریشه داشته و در ادیان مختلف به شکل‌های گوناگون معرفی شده است؛ زرتشتیان در انتظار سوشیانت، یهودیان در انتظار ماشیع، مسیحیان در انتظار مسیح و مسلمانان چشم به راه مهدی علیه السلام هستند.

بشارت موعود، امری فطری، دینی و عقلی در تاریخ بشر به شمار می‌آید و همه در انتظار موعودی به سر می‌برند تا به پا خیزد و جهان را از قسط و عدالت فراگیر، سرشار سازد. منجی موعود مسلمانان، مهدی علیه السلام منتظر علیه السلام است؛ همو که برای نجات بشر از ظلم و تجاوز ستمکاران و متجاوزان می‌آید تا به پیکار با ظالمان برخیزد و یاور مظلومان باشد. اندیشه اعتقاد به منجی در شعر نیز نمایان شده است و بر این اساس یکی از موضوعات شعر شیعی، مهدویات است. در این نوشتار برآنیم تا به بررسی اشعار شاعران معاصر که درباره مهدویت سروده شده بپردازیم و آن را از جوانب گوناگون مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

جشن میلاد امام عصر علیه السلام - که از اعیاد بزرگ و خجسته اسلامی است - همواره مورد توجه شاعران بوده و در این موضوع به سرایش اشعار پرداخته‌اند. مسئله غیبت و انواع آن و فواید آن نیز از جمله مواردی است که شاعران در خلال اشعارشان به آن اشاره کرده‌اند. شاعران همواره از سرگردانی و رنجوری خویش در عصر غیبت سخن به میان می‌آورند و در فراق مولایشان ندبه سر می‌دهند.

در خلال اشعار شاعران، مسئله چگونگی بهره‌مندی مردم از امام عصر علیه السلام - که در روایات به آن اشاره شده است - نیز به چشم می‌خورد.

شاعران بی‌آن که امید از کف دهند از اشتیاقشان برای دیدار امام عصر علیه السلام سخن می‌گویند و در انتظار روزی به سر می‌برند که در آن هیچ ستم و تبعیض و تعدی نیست. آنان بی‌صبرانه چشم به راه تحقق حق و عدل هستند.

شاعران معاصر شیعی - که هنوز داغ بزرگ ماجرای عاشورا را بر سینه دارند - در اشعارشان ظهور حضرت علیه السلام و خون‌خواهی خون جلدش امام حسین علیه السلام را خواستارند. از دیگر موضوعاتی که در اشعار شاعران این عصر به چشم می‌خورد، شکایت از وضع موجود

و اشاره به حقوق مسلوبه شیعیان است. از این رو شاعران ملتسمانه از خداوند مَثان، تعجیل در فرج مولایشان را طلب می‌کنند تا به پا خیزد و ظلم و جور را از بن برکند، عدالت آسمانی را برپا کند، حکومت خدایی را بنیان نهد و دولت قرآن را زنده نماید.

اعتقاد به منجی

پیروان همه ادیان عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان - که فساد و بیدادگری و بی‌دینی همه جا را فرا گرفته است - نجات‌دهنده‌ای بزرگ ظهور می‌کند و با نیروی فوق‌العاده غیبی خود اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد (امینی، ۱۳۷۹: ۶۶).

عقیده مذکور از مصدر وحی سرچشمه گرفته است؛ زیرا از نویدهای پیامبران الهی در طول تاریخ بشر به مردم مؤمن و آزادی‌خواه جهان است. اعتقاد به منجی، امری فطری و درونی است؛ یعنی هر انسانی به طور طبیعی خواهان برقراری حکومت حق و عدل و برقراری صلح و آرامش است.

مردم با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب، دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد و مسیر آن - که در طول تاریخ، پر از فراز و نشیب و پرتگاه بوده است - به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم را می‌یابد (صدر، ۱۳۹۸: ۱۳). حتی این امر را در بین مردم غیرمذهبی و جوامع ماتریالیستی - با این که تنها تکیه‌گاهشان واقعیت است و به غیر آن چه در جهان خارج وجود داشته و قابل لمس علمی است نمی‌اندیشند - نیز می‌بینیم. همه و همه در دل خود انتظاری را احساس می‌کنند؛ انتظاری که از وضع موجود به درآیند و به وضعی ایده‌آل و موردنظر دست یابند (قائمی، بی‌تا: ۱۵).

اعتقاد به مهدی موعود در آینه شعر عربی تا پیش از دوره معاصر

اندیشه اعتقاد به منجی موعود در شعر - که آینه تمام‌نمای افکار و اندیشه‌های ملل است - نیز نمودار شده است. بر این اساس، از جمله موضوعات شعر شیعی، مهدویات است. مهدویات به مجموعه قصاید و قطعات شعری اطلاق می‌شود که به موضوع اعتقاد به مهدی علیه السلام و استنهای آن حضرت می‌پردازد (سیاحی، ۱۳۸۵: ۶۵). سخن از امام عصر علیه السلام و ظهور ایشان در خلال اشعار شاعران به سال‌ها پیش از ولادت آن حضرت بازمی‌گردد.

کمیت بن زید اسدی در ضمن اشعاری - که در محضر امام محمد باقر علیه السلام و در رثای شهیدان کربلا سروده است - به صراحت از ظهور مهدی علیه السلام و برپایی دولت حق ایشان خبر می‌دهد:

مَتَى يَقُومُ الْحَقُّ فَيَكْمُ مَتَى يَقُومُ مَهْدِيُّكُمْ الثَّانِي

(اسدی، ۲۰۰۰: ۵۵۷)

ترجمه: «چه موقع حق در میان شما حکم فرما می‌شود؟ و چه موقع مهدی دوم شما قیام خواهد کرد؟»

دعبل خزاعی نیز در تائیه مشهور خویش - که آن را در رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سروده است - از خروج امامی خبر می‌دهد که بر اساس عدالت حکم خواهد کرد:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَمْ حَالَةَ خَارِجٍ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النِّعَمِ وَالنَّقَمَاتِ

(خزاعی، ۱۹۷۲: ۶۵)

ترجمه: «امید من به خروج امامی است که حتماً ظهور می‌کند و به نام خدا همراه با انواع برکت‌ها قیام می‌کند.

حق و باطل را از هم جدا نموده و خوبی‌ها و بدی‌ها را پاداش و کیفر می‌دهد.»

محیی‌الدین بن عربی - از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه - ابیاتی درباره مهدی موعود علیه السلام سروده است:

هُوَ السَّيِّدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ أَحْمَدَ هُوَ الصَّارِمُ هِنْدِي حِينَ يُبِيدُ
هُوَ الشَّمْسُ يَجْلُو كُلَّ غَمٍّ وَظُلْمَةٍ هُوَ الْوَائِلُ الْوَسْمِي حِينَ يَجُودُ

(ابن عربی، ۱۹۹۹: ج ۱، ۲۹۶)

ترجمه: «او، مهدی آل احمد است، و به هنگام نابودی [دشمنان] همچون شمشیر هندی است.

او آفتابی است که هر غم و اندوه و ظلمتی را برطرف می‌کند و هنگامی که جود و بخشش می‌کند؛ همانند اولین باران بهاری است که زمین‌های تشنه را سیراب می‌کند.»

بهاء‌الدین اربلی - که یکی از نوابغ و دانشمندان کم‌نظیر جهان اسلام است - نیز در کتاب ارزشمندش کشف الغمّه اشعار بسیاری در مدح امام عصر علیه السلام ذکر کرده است. او در یکی از قصاید خود در مدح امام عصر علیه السلام چنین می‌سراید:

امام حَقِّ نوره ظاهر
القائم الموجد والمنتَمی
و ناشر العدل و قد جارت
و المُنصف المظلوم من ظالم

كالشمس في غور في نجد
الى العلى بالاب والجد
الايم والناس عن القصد
والمَلجأ المَرْجُو والمهدئ

(عبداللهی، ۱۴۱۹: ۱۳۴ - ۱۴۶)

ترجمه: «او امام برحقى است که نور وجود او، همچون آفتاب در پستى و بلندى ظاهر و آشکار است.

او قائم است که هم اکنون موجود است و نسب او به پدر و جدی والا منتهی می شود.
او گسترش دهنده عدالت است؛ درحالی که روزگار و انسان ها عمداً ستم می کنند.
او داد مظلومان را از ظالم می ستاند و پناه امیدواران و ناامیدان است.»

بنابراین حضور امام عصر علیه السلام در اشعار شاعران از سال ها پیش آغاز شده و از دیرباز در میان شاعران رواج داشته و شعرا در دوره های گوناگون و حتی پیش از ولادت امام عصر علیه السلام به این موضوع پرداخته اند تا بدین وسیله ارادت خویش به ساحت این امام بزرگوار را ابراز دارند و به دفاع از عقاید خویش بپردازند. آن چه برای ما اهمیت دارد این است که این حضور با گذشت زمان نه تنها کم رنگ نشده، بلکه روز به روز پررنگ تر گردیده است؛ بالأخص با شروع دوران معاصر رواج بیشتری داشته و شاعران گاهی در خلال اشعارشان و گاهی در سروده ای جداگانه به موضوع این منجی موعود پرداخته اند.

دامنه اشعاری که در چند قرن اخیر در این موضوع سروده شده بسیار گسترده و پر شمار است. از این رو پرداختن به این امر و بررسی آن، نیازمند تلاش و تحقیقی گسترده است. در این نوشتار کوشیده ایم با بررسی اشعاری چند از برخی شاعران، گامی - هرچند کوچک - در این مسیر طولانی و بزرگ برداریم.

امام مهدی علیه السلام در آینه شعر معاصر عربی

۱۴۵

موضوع امام مهدی علیه السلام گستره وسیعی از ادبیات شیعی را فرا گرفته و شاعران معاصر نیز در این زمینه اشعار بسیاری سروده اند و به این قضیه از جوانب گوناگون پرداخته اند. شعر مهدوی در این عصر سرشار از امید و آرزوی لقای آن حضرت و فرارسیدن روز ظهور است. شاعران متعهد به اهل بیت علیهم السلام با سرودن اشعاری درباره موضوعاتی همچون ولادت امام مهدی علیه السلام غیبت

ایشان، انتظار و... ارادت خود را به ساحت مقدّس ولیّ عصر علیه السلام اظهار می‌دارند. آنان از فراگیر شدن ظلم و فساد و سلب حقوق شیعیان شکوه می‌کنند و بی‌صبرانه چشم به راه برپایی حکومت دادگستر جهانی هستند؛ برای تعجیل در فرج مولایشان دعا می‌کنند و از او خون‌خواهی خون به ناحق ریخته شده مولایشان امام حسین علیه السلام را خواستارند.

در این نوشتار کوشیده‌ایم اشعار برخی از شاعران معاصر را در هفت بخش بررسی کنیم.

۱. ولادت

در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری، چشم جهان به کودکی روشن شد که امروز بزرگ‌ترین امید و آرزوی بشر - به‌ویژه مستضعفان و رنج‌دیدگان جهان - است (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۱، ۲). جشن میلاد امام عصر علیه السلام بزرگ‌ترین شادی شیعیان، جشن زنده شدن آرزوها و امیدها و جشن آمادگی برای شرکت در نهضتی بزرگ و انسانی است. این روز - که از جمله خجسته‌ترین اعیاد اسلامی است - همواره گرمی داشته می‌شود و مردم در این روز ضمن به برپایی جشن‌های گوناگون با امام عصرشان تجدید میثاق می‌کنند. شاعران دوست‌دار امام عصر علیه السلام نیز از این عید بزرگ غافل نمانده و اشعاری درباره این موضوع سروده‌اند.

سید رضا هندی - شاعر معاصر - میلاد آن حضرت را به نوری هدایتگر تشبیه نموده و از آن به نه‌ری برای تشنگان عدالت تعبیر می‌کند:

و مَوْلَدُهُ نَوْزٌ بِهٖ يَشْرُقُ الْهَدْيُ وَ قَلِيلٌ لِّظَامِي الْعَدْلِ مَوْلَدُهُ نَهْرٌ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۷)

ترجمه: «میلادش همچون نوری است که با آن هدایت و راهنمایی طلوع می‌کند و به تشنه عدالت گویند که میلادش همچون نه‌ری سیراب‌کننده تشنگان است.»

گفتنی است بیت مذکور به تاریخ میلاد امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. درباره میلاد آن حضرت دو قول وجود دارد: یکی این که ایشان در سال ۲۵۶ قمری متولد شده‌اند و کلمه «نور» در صدر بیت به این سال اشاره دارد؛ چرا که مجموع حروف این کلمه با حساب تاریخ ابجدی ۲۵۶ می‌شود. قول دیگر این که ایشان در سال ۲۵۵ چشم به جهان گشودند و کلمه «نهر» در پایان بیت به این تاریخ اشاره می‌کند؛ زیرا مجموع حروف آن ۲۵۵ است.

سید حیدر حلّی نیز در سال‌روز میلاد آن حضرت در قصیده‌ای به مدح ایشان پرداخته و این میلاد خجسته را تبریک می‌گوید:

بُشْرَى فَمَوْلِدُ صَاحِبِ الْأَمْرِ أَهْدِي إِلَيْكَ طَرَائِفَ الْبُشْرِ
وَبَطْلَعَةٍ مِنْهُ مُبَارَكَةٍ حَيَّ بِوَجْهِكَ طَلْعَةُ الْبَدْرِ

(حلی، ۱۹۸۴: ۴۴)

ترجمه: «مژده که میلاد صاحب الزمان حضرت مهدی علیه السلام است، تازه‌ترین و شگفت‌ترین نویدها را به تو هدیه می‌کنم.»

۲. غیبت

غیبت و انتظار یکی از سنن تکاملی است که تاریخ برای بسیاری از امت‌های گذشته نشان می‌دهد. همواره در بین انسان‌ها، نهضت‌هایی به منظور آزادی از قید اسارت طاغوت‌ها صورت می‌گرفته و این نهضت‌ها توسط فرستادگان الهی، رهبری می‌شده است. اما توده مردم، به شایستگی از رهبر نهضت قدردانی و طرفداری نمی‌کردند و قابلیت دریافت این نعمت بزرگ را نداشتند. در نتیجه رهبر برای مدتی از میان مردم غایب می‌شد. در طول مدت غیبت، مردم در اثر لمس کردن آثار شوم اسارت و طاغوت پرستی بیدار می‌شدند و وقتی به خود می‌آمدند و از روش عصیان و گناه و نافرمانی رهبر، توبه می‌کردند، رهبر به فرمان الهی در میان آنان آشکار شده، حق جویان را در طول مراحل نهضت، رهبری می‌کرد. این حقیقت را در تاریخ ادريس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی علیهم السلام و... مشاهده می‌کنیم (اختری، ۱۳۶۰: ۳۰). بنابراین اصل مسئله غیبت، مسئله‌ای جدید و انکارشدنی نیست؛ بلکه هرگاه جامعه‌ای صلاحیت و قابلیت پذیرش رهبری را نداشت، به امر و حکمت خداوند متعال مدتی رهبر از جامعه غایب می‌شد.

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام دوران امامت امام عصر علیه السلام آغاز شد. عده‌ای معتقدند دوران غیبت صغرا نیز در همین زمان - یعنی سال ۲۶۰ قمری - آغاز گردید. اما برخی برآنند که آغاز غیبت صغرا همان زمان تولد حضرت - یعنی سال ۲۵۵ - بوده است. دوران غیبت صغرا تا سال ۳۲۹ ادامه داشت و سپس دوران دیگری از حیات امام عصر علیه السلام آغاز شد که از آن به غیبت کبرا تعبیر می‌کنیم.

حسین الاکرف، در قصیده‌ای به مسئله غیبت صغرا اشاره کرده و بیان می‌دارد که ارتباط با امام علیه السلام در این دوران از طریق نَوَاب اربعه (خاص) صورت می‌گرفته است:

و غَبَّتِ الْغَيْبَةُ الصَّغْرَى وَ كَانَ الْهَجْرُ قَتَالاً

وَقَدْ نَصَبْتُ نُؤَابًا أَصَابُوا مِنْكَ مِنْوَالًا

(www.Alerfan.com)

ترجمه: «در دوران غیبت صغرا از نظرها غایب گشتی و هجران و فراق کشنده بود. افرادی را به نیابت از خود برگزیدی تا راه و روش را از تو بگیرند.»
مقدّرات الهی به گونه‌ای رقم خورده که خداوند - از آن جا که زمین نباید هرگز از حجت او خالی بماند و قوام هستی به حضور و قیام حجت حق است - برای حفظ جان حجت خویش آغاز امر واقعی غیبت حضرت ولی عصر (عج) را پیش از تولّد آن حضرت در رحم مادر بزرگوارش نرجس خاتون مقدر نماید (حامدی، ۱۳۸۶: ۱۱).

سید رضا هندی در قصیده‌ای با عنوان «الامام المهدی» به این مسئله اشاره می‌کند و در پاسخ به کسانی که پنهان شدن از ترس کشته شدن را جایز نمی‌دانند می‌گوید: چرا حضرت محمد (ص) در لیلۃ المبیت، پس از گریختن از خانه و در مسیر هجرت به مدینه، در غار پنهان شد؟ چرا مادر موسی مأمور شد موسی را به خاطر ترس از کشته شدن، در آب نیل بیندازد؟ این موارد به این معنا نیست که خداوند دریاری دینش ناتوان است، بلکه این عقیده همان کفر است و دلیل این غیبت ترس امام نیست؛ بلکه امر غیبت به امر و فرمان خدای تعالی و به خواست و اراده او تحقق یافته است:

وَقَوْلُكَ إِنَّ الْإِخْفَاءَ مَخَافَةٌ مِنْ الْقَتْلِ شَيْءٌ لَا يَجُوزُهُ الْحَجَرُ
فَإِنْ قُلْتَ هَذَا كَانَ فِيهِمْ بِأَمْرٍ مِّنْ لَهُ الْأَمْرُ فِي الْأَكْوَانِ وَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۹)

ترجمه: «این سخن تو که: "پنهان شدن از ترس کشته شدن بوده است" جایز نیست. امر غیبت از میان مردم به فرمان کسی است که فرمان و حکم در هستی و حمد و سپاس از آن اوست.»

از دیگر فواید غیبت امام عصر (عج) آزمایش مردم است. سید رضا هندی نیز در قصیده‌اش ابیاتی را به این موضوع اختصاص داده و تأخیر در ظهور را بر اساس حکمت خداوندی می‌داند و با استلزام از حدیث مذکور، این غیبت را آزمایشی برای بندگان ذکر می‌کند تا نیکوکاران و بدکاران از هم باز شناخته شوند و برای صابران اجر عظیم برمی‌شمرد. در ضمن بیان می‌دارد که این آزمایش برای علم و آگاهی یافتن خداوند به اعمال نیک و بد بندگان نیست؛ زیرا او بر هر آشکار و نهانی داناست، بلکه بندگان را می‌آزماید تا بدی شان بر خودشان آشکار گردد و عذر

و بهانه‌ای نداشته باشند:

فَإِنْ أَخَّرَ اللَّهُ الظُّهُورَ لِحُكْمَةٍ بِهِ سَبَقَتْ فِي عِلْمِهِ وَلَهُ الْأَمْرُ
فَكُمْ مَخْنَةً لِلَّهِ بَيْنَ عِبَادِهِ يُمَيِّزُ فِيهَا فَاجِرَ النَّاسِ وَالْبَرَّ

(همو: ۳۰)

ترجمه: «خداوند امر ظهور را بنا به حکمتی که خود از قبل بدان آگاه بود، به تأخیر انداخت و حکم و فرمان از آن خداوند است. و چه بسیار آزمایش‌هایی که خداوند بندگان را بدان‌ها آزمود تا بدانشان را از نیکانشان جدا سازد.»

۳. انتظار

انتظار از دیدگاه لغوی، به معنای چشم به راه بودن، و نوعی امید به آینده داشتن است. در اعتقادات شیعه، انتظار آمیدی به آینده‌ای نویدبخش و سعادت‌آفرین است که در آن به رهبری امامی بزرگوار، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش گیرد (قائمی، بی تا: ۱۳).

در اهمیت انتظار همین بس که پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام آن را برترین عبارت برشمرده‌اند. امام علی علیه‌السلام فرمودند:

انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

(مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۱۲۳)

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید؛ زیرا خوشایندترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی آنان را که در زمان غیبت امام، منتظر ظهور اویند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، اولیای خدا می‌داند؛ همان‌ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین می‌شوند:

طَوَّبَى لِّلشَّيْعَةِ قَائِمًا، الْمُتَنَتِّظِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ
أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (همو: ۱۵۰)

چشم به راه بودن، یا انسان را به غربت و انزوا می‌کشاند، یا باعث حرکت و پویایی و اقدام برای آمادگی بیشتر می‌شود. بی تردید منظور از انتظار، همان چشم به راه بودن همراه با حرکت و پویایی است و این نوع انتظار، سازنده است.

شاعران معاصر نیز با ذکر دردها و مشکلات و مصائبشان، از انتظار خود برای رسیدن دستی از غیب سخن به میان می آورند و تحقق حکومت حق و عدل را چشم به راهند. در بخش فراگیر شدن ظلم و فساد و انتظار برای برپایی حکومت حق و عدل، به این دسته از اشعار اشاره خواهیم کرد.

هاشم السهلانی، امام مهدی علیه السلام را با عنوان امید و آرزوی مورد انتظار مورد خطاب قرار می دهد و ایشان را به خورشیدی تشبیه می کند که افول و غروبی ندارد:

فَيَا مَهْدِي يَا أَمَلًا مُرَجِّي وَ يَا شَمْسًا تَجَنَّبُهَا الْأَفْؤُلُ
عَلَى عَهْدٍ نَظِلُّ وَ بِإِنْتِظَارٍ يُسَدِّدُ خُطُونَا أَمَلٌ جَمِيلُ

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «ای مهدی، ای امید منتظر و ای خورشیدی که افول و غروبی ندارد. مدت زمانی است که با انتظار عمر سپری می کنیم و امید و آرزویی زیبا گام هایمان را سوق می دهد.»

حسین الاکرف نیز از رنج و حزن و اندوه پیوسته اش در دوران غیبت سخن می گوید و چنین می سراید:

عَزِيزٌ أَنْ نَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى
مَتَى تَرَانَا... مَتَى تَرَانَا... مَتَى تَرَاكَ!
حَنِينٌ لَا يَجَافِينَا... وَ حُزْنٌ لَيْسَ يَنْسَانَا

(www.Alerfan.com)

ترجمه: «سخت است که همه را ببینیم و تو را نه. کی به دیدارمان می آیی و ما تو را به نظاره می نشینیم؟»

اشتیاق و میلی ما را رها نمی کند و از ما دور نمی شود و اندوهی ما را به فراموشی نمی سپارد. سیدرضا هندی نیز در اولین ابیات قصیده «امام مهدی» خویش، از امید و آرزوی خویش در راه وصال سخن می گوید؛ امیدی که گذشت روزگاران آن را مأیوس نمی کند.

شاعر وجود امام را در همه جا حاضر می داند و - چنان که گذشت - از ایشان به خورشید پشت ابر تعبیر می کند؛ از طولانی شدن زمان فراق و غیبت سخن به میان می آورد و از این که از دیدار روی همچون ماه ایشان محروم مانده است می نالد، ولیکن در بیت پنجم چنین بیان می دارد که اگر انتظار فرارسیدن روز موعودی نبود، صبر و بردباری برایش غیرممکن بود:

تَمَادَى زَمَانُ الْبُعْدِ وَامْتَدَّ لَيْلُهُ وَ مَا أَبْصَرْتَ عَيْنِي مُحْيَاكَ يَا بَدْرُ
وَلَوْ لَمْ تُغْلِلْنِي بِوَعْدِكَ لَمْ يَكُنْ لِيَأْلِفْ قَلْبِي فِي تَبَاعُدِكَ الصَّبْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۶)

ترجمه: فراق به درازا کشید و شبش طولانی شد و چشمم از دیدار چهره همچون ماهت محروم ماند.

و اگر وعده ظهورت نبود قلبم در دوری تو تاب و تحمل نمی آورد.»

۴. بهره‌مندی مردم از وجود امام عصر(ع) در زمان غیبت

در روایات وجود مقدس امام غایب، به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؛ یعنی مردم همان‌گونه که از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌گردند، از نور وجود امام زمان(ع) در روزگار غیبتش بهره می‌برند. چنین روایت شده که پیامبر(ص) در پاسخ به این سؤال که آیا شیعه در زمان غیبت از امام مهدی(ع) بهره‌مند می‌شوند، فرمود:

إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْبُتَّةِ إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّهَا السَّحَابُ؛ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۹۳)

آری، سوگند به آن‌که مرا به رسالت مبعوث کرد، همانا شیعه از او بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایتش در زمان غیبت ایشان بهره‌مند می‌گردند، همان‌گونه که مردم از خورشید پشت ابر بهره‌می‌برند.

شاعران نیز با الهام‌گیری از این حدیث شریف، از این تشبیه غافل نمانده و در اشعار خود امام عصر(ع) را به خورشید تعبیر کرده‌اند. سید رضا هندی، امام را همچون خورشیدی می‌داند که از جایگاهش دور شده، ولی همچنان می‌تابد و همه‌جا و همه‌چیز را از تابش خویش بهره‌مند می‌سازد:

وَمَا أَنْتَ إِلَّا الشَّمْسُ يَنَائِي مَحَلَّهَا وَ يَشْرِقُ مِنْ أَنْوَارِهَا الْبَرُّ وَالْبَحْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۶)

ترجمه: «تو همچون خورشیدی هستی که از جایگاهش دور شده است، ولی انوار آن در خشکی و دریا می‌تابد.»

هاشم السهلانی نیز امام را با عبارت شمس السحاب (خورشید پشت ابر) خطاب می‌کند و با ایشان به درد دل می‌نشیند و از گرفتاری‌ها و مشکلات عصر غیبت سخن می‌گوید:

فَيَا شَمْسَ السَّحَابِ أَجِزْ مَقَالِي وَ هَلْ يُرْجَى لِعَیْرِكَ مَا أَقُولُ
عَدُونَا مِنْ غِيَابِكَ فِي بَلَاءٍ تَخْطِفُنَا الصَّغَائِنُ وَ الدَّخُولُ

(www.Sibtayn.ir)

ترجمه: «ای خورشید پشت ابر، سخنم را کوتاه کن و آیا آن چه می‌گویم به جز تو از کسی امید می‌رود؟»

از نبودن در سختی و بلا افتادیم و دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها ما را به غفلت واداشت.»

۵. خون‌خواهی و انتقام

انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و اجرای عدالت از مهم‌ترین مأموریت‌های حضرت به شمار می‌رود. «منتقم» یکی از القاب آن حضرت است و انتقام خون به ناحق ریخته‌شده امام حسین علیه‌السلام را می‌گیرد. در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مَا كَانَ صَجَّةَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَقَالَتْ: يَا رَبِّ
يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيَّتِكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ. قَالَ: فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ عليه‌السلام وَقَالَ يَهَذَا أَنْتَقِمُ
لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ؛ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۱، ۶۸)

در آن ساعتی که دشمنان، حسین علیه‌السلام را به قتل رساندند، فرشتگان در حالی که ناله سر داده بودند، خطاب به پروردگار عرض کردند: پروردگارا، آیا با حسین برگزیده و فرزند پیامبرت چنین می‌کنی؟ آن‌گاه خداوند متعال شبیح قائم را به آنان نشان داد و پس از اشاره به آن فرمود: این قائم از دشمنان حسین علیه‌السلام انتقام خواهد گرفت.

در دو فراز از فرازهای زیارت عاشورا نیز از خداوند، خون‌خواهی حسین علیه‌السلام با یاری امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکون را می‌طلبیم.^۱

حسین الاکرف در شعرش حضرت را با عنوان «ابا الثار» خطاب می‌کند:

عَلَامَاتُنَا حُرْمَةُ الدِّينِ فِي الْأَرْضِ مَعْدُومَةٌ
عَلَامَاتُنَا شِيعَةُ الْآلِ بِالْقَهْرِ مَظْلُومَةٌ

۱. فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي ظَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكَ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكَ وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يَثْبِتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي ظَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ.

وَمِنْ حَقِّهَا أَصْبَحَتْ يَا أَبَا الثَّارِ مَحْرُومَةٌ

(www.alerfan.com)

شعار یاران حضرت در هنگام خون خواهی، «یا لثارات الحسین» است (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۲۰۸).

سید حیدر حلی در خطاب به امام زمان علیه السلام به ذکر مصائب سید الشهدا علیه السلام می پردازد. او از واقعه عظیم و فجیع دشت کربلا سخن می گوید و از امام منتظر می خواهد که انتقام خون شهید کربلا را بگیرد:

وَاطْلُبْ بِهِ بَدَمَ الْقَتِيلِ بِكَرْبَلَاءَ فِي خَيْرِ شِيعَةٍ
مَاذَا يُهَيِّجُكَ إِنْ صَبَرَ تَلَوْقَةِ الطِّفِّ الْقَطِيعَةِ

(حلی، ۱۹۸۴: ۹۰)

ترجمه: «به خون خواهی کشته دشت کربلا به پاخیز! اگر در برابر ماجرای فجیع کربلا صبر کنی، پس کدام امر مهم تو را برمی انگیزد؟»

۶. طلب ظهور امام زمان علیه السلام و دعوت به قیام

برخی شاعران معاصر در عصر غیبت، در لابه لای اشعارشان به شکایت از وضع موجود و بیان ظلم و ستم هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت هایی که به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام شده است می پردازند و از دردها و رنج هایی که امام عصر علیه السلام به سبب نظاره کردن این صحنه ها متحمل می شوند، سخن می رانند. آنان ملتسمانه از امام عصر علیه السلام می خواهد که در ظهور تعجیل فرماید و اساس ظلم و ستم و طغیانگری را از ریشه برکند و عدل و عدالت را حکم فرما نماید.

حسین الاکرف از مصائب شیعیان و بی حرمتی هایی که نسبت به آنان صورت گرفته سخن به میان می آورد. او از ویران شدن گنبد عسکریین علیهم السلام در سامرا می گوید و مظلومیت شیعه را یادآور می شود؛ چراکه از حقش محروم مانده است:

تَخَيَّلْتُ خَارِطَةَ الدُّنْيَا وَكُلُّ الْحُدُودِ عِلَامَاتُ
عَلَامَاتُنَا قُبَّةُ الْعَسْكَرِيِّينَ مَهْدُومَةٌ عَلَامَاتُنَا حُرْمَةُ الدِّينِ فِي الْأَرْضِ مَعْدُومَةٌ
عَلَامَاتُنَا شِيعَةُ الْأَلِّ بِالْقَهْرِ مَظْلُومَةٌ وَمِنْ حَقِّهَا أَصْبَحَتْ يَا أَبَا الثَّارِ مَحْرُومَةٌ

(www.alerfan.com)

ترجمه: «نقشه دنیا را تصور کردم و تمام مرزها نشانه است. نشانه ما ویرانی گنبد
عسکریین علیه السلام است.»

نشانه ما هتک حرمت دین در روی زمین است. نشانه ما مظلومیت شیعه و محرومیت آنان
از حقوقشان است.»

شاعر از عراق می گوید: سرزمینی که همه اش سوخته است و زخم کهنه ای بردل دارد؛ چراکه
سال ها پیش شاهد شهادت حسین علیه السلام و یارانش بوده است؛ سرزمینی که همه اش درد و رنج
است و دشمنان بر آن حکم می رانند:

أَذْرِكِ الْعِرَاقَ / كُلُّهَا إِحْتِرَاقَ / مَوْطِنُ ذَبِيحٍ وَ شَعْبٌ يَتِيمٌ
دَمْعُهَا مُرَاقٍ / مَاتَتْ إِشْتِيَاقٍ / وَ هِيَ فِيكَ ثَأْرٌ وَ جُرْحٌ قَدِيمٌ

(www.alerfan.Com)

ترجمه: «عراق را دریاب، همه اش سوخته است؛ موطنی است ذبح شده و ملتی یتیم دارد.
اشک هایش جاری است، شوق مرده و در تو خون و زخمی قدیمی دارد.»
الاکرف درجایی دیگر، باز قیام حضرت را خواهان است. این بار از امام خویش می خواهد تا
بیايد و مرهمی برای دردهای یتیمان و مادران فرزند از دست داده باشد:

أُمُرُّ عَلَيْهَا كَفًّا مِنْ حَتَانِ
فَوْقَ الْيَتَامَى يَا قَلْبَ الزَّمَانِ
قُمْ لِلْثُّغَالَى فِي الدُّنْيَا تَعَانِي
وَالْجُرْحُ مِنْهَا فِي كُلِّ مَكَانِ

(www.Alerfan.Com)

ترجمه: «ای قلب روزگار، با دستان مهربانت، سر یتیمان را نوازش کن.
و برای مادران فرزند از دست داده ای که در دنیا رنج می برند و زخم و دردشان در همه جا
هست، به پا خیز.»

عبد الله القرمزی نیز به بیان ظلم و ستمی که در حق شیعیان شده می پردازد و این که دیگر
توان صبر بر این مصائب را ندارد:

فَشِيعَتُكُمْ عَلَى الدُّنْيَا عَلَى طَاخُونَةِ الظُّلَمِ
فَمِنْ سِجْنٍ إِلَى سِجْنٍ وَ مِنْ سَيْفٍ عَلَى سَيْمٍ

وَمِنْ رُزْءِ إِلَى رُزْءٍ وَ مِنْ هَإِ إِلَى هَإِ
تَعْبُنَا سَيِّدِي صَبْرًا وَأَنْتَ بِنَا عَلَى عِلْمٍ

(www.m-mahdi.Com)

ترجمه: «آسیاب ظلم بر سر شیعیان شما در دنیا می‌گردد. از زندانی به زندان دیگر برده می‌شوند و با شمشیر یا زهر کشته می‌شوند. از دست مصیبتی به مصیبتی دیگر، از غمی به غمی دیگر می‌افتند. آقای من، خسته شدیم و صبر از کف دادیم و تو خوب از احوال ما آگاهی.» سید جعفر حلی از امام عصر علیه السلام طلب قیام می‌کند تا انتقام خون‌های اجدادش را از ظالمان بگیرد:

أَدْرِكُ تَرَاتِكُ أَئِيهَا الْمُؤْتُوْرُ فَلَكُمْ بِكُلِّ يَدٍ دَمٌ مَهْدُوْرُ

(حلی، ۱۹۹۱: ۲۵۵)

ترجمه: «ای که مورد ظلم قرار گرفته‌ای، انتقام خود را بگیر که خون [اجداد] شما به دست افراد مختلفی ریخته شده است.» شاعر در ادامه، امام عصر علیه السلام را ولی دم تمام کشته‌شدگان مظلوم می‌داند و ایشان را پیروز بر دشمنان معرفی می‌کند:

أَنْتَ الْوَلِيُّ لِمَنْ يَظْلَمُ قُتِلُوا وَ عَلَى الْعِدَى سُلْطَانُكَ الْمَنْصُوْرُ

(همو)

ترجمه: «تو مولا و سرور کسانی هستی که ظالمانه کشته شدند و بر دشمنان پیروزی.» سید حیدر حلی نیز در قصیده خود با عنوان «الله یا حامی الشریعة» امام مهدی علیه السلام را زنده کننده شریعت می‌داند و از ایشان می‌خواهد که برای فریادرسی به دل‌های بی‌تاب مسلمانان به پا خیزد:

مَاتَ التَّصَبُّرُ فِي إِنْتِظَارِ رَكَ أَئِيهَا الْمُحْيِ الشَّرِيعَةَ
فَانْهَضَ فَمَا أَبْقَى التَّحْمُلُ غَيْرَ أَحْشَاءٍ جَزَوْعَهُ

(حلی، ۱۹۸۴: ۸۹)

ترجمه: «ای زنده کننده دین، صبر و شکیبایی در انتظارت به سر رسید. به پا خیز که جز دل‌های بی‌قرار و بی‌شکیب برایمان باقی نمانده است.»

ملاحظه کردیم که شاعران این دوران - که از ظلم و جور زمانه به تنگ آمده‌اند - دست به قلم برده و از وضعیت نابسامان جوامع شکو کرده‌اند و - همان‌طور که در اشعارشان پیداست - آنان تنها یک راه را برای نجات خویش و دیگر مردم زمانه پیش روی خود می‌بینند و آن هم چیزی نیست جز ظهور امام زمانشان. از این رو ملت‌مسانه و عاجزانه از خدای خویش تعجیل در ظهور مولایشان را می‌طلبند تا به پا خیزد، حق مظلومان را بازستاند، ظالمان را به خاک ذلت نشاند، حکومتی سرشار از عدل و داد را بنیان نهد و آنان را از این وضعیت رنج‌آور و تأسف‌بار رهایی دهد.

۷. برپایی حکومت عدل

از جمله مهم‌ترین اقدامات امام عصر^(ع) پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد الهی است. ایشان بساط ظلم و جور را در هم خواهد پیچید و دنیایی آکنده از عدالت، راستی و درستی، محبت و دوستی و معرفت را محقق خواهد ساخت.

آری؛ عدالت، مهم‌ترین شعار مهدویت است. همه مردم - به‌ویژه ستم‌دیدگان و مظلومان جهان - چشم در انتظار ظهور موعودی به سر می‌برند تا ظلم و ستم و طغیانگری را ریشه‌کن کند و عدل و عدالت را حکم‌فرما نماید. امام رضا^(ع) از برپایی ترازوی عدل آن حضرت یاد می‌کند و می‌فرماید:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُنُورَ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛
(مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۳۲۲)

آن هنگام که [مهدی^(ع)] ظهور نماید زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می‌دهد و هیچ‌کس به دیگری ستم نمی‌کند.

همچنین از برکات وجود شریف آن حضرت این است که امنیت را در زمین منتشر می‌کند تا این‌که آرامش کلی را بین همه موجودات متضاد - یعنی انسان و حیوانات و وحوش - برقرار می‌کند؛ نفاق و دشمنی در میان همه از بین می‌رود؛ وحوش، مارها و دیگر جانوران در کنار هم با انسان‌ها زندگی می‌کنند و هیچ‌یک از دیگری آسیبی نمی‌بینند و به دیگری آسیبی نمی‌رسانند (حسینی، ۱۹۸۵: ۲۷۸).

شاعران منتظر نیز - که چشم‌انتظار برپایی حکومت جهانی مهدی موعود هستند - در این باره اشعاری سروده‌اند.

سید رضا هندی با وجود طولانی شدن زمان غیبت، به طلوع فجر ظهور منجی موعود امیدوار است؛ همان قائمی که بساط جور را درهم می پیچد و عدالت را جایگزین آن می کند:

وَإِنَّ زَمَانَ الظُّلَمِ إِنَّ ظَالَ لَيُّلُهُ فَعَنْ كَثَبٍ يَبْدُو بِظُلُمَائِهِ الْفَجْرُ
وَ يَطْوِي بَسَاطَ الْجَوْرِ فِي عَدْلِ سَيِّدٍ لِأَلْوِيَةِ الدِّينِ الْحَنِيفِ بِهِ نَشْرُ
هُوَ الْغَائِبُ الْمَأْمُولُ يَوْمَ ظُهُورِهِ يُلَبِّيهِ بَيْتُ اللَّهِ وَ الرُّكْنُ وَ الْحَجْرُ

(موسوی هندی، ۱۹۸۸: ۲۶)

ترجمه: «اگر شب تاریک ظلم به درازا کشد، به زودی سپیده دم از پس تاریکی ها آشکار می شود.

و بساط ظلم و جور در برابر عدالت سروری که دین راستین را می گستراند، برچیده می شود. او همان غایبی است که روز ظهورش آرزوی همه است؛ همو که بیت الله و رکن و حجر لیبیک گوی اویند.»

شاعر در ادامه چشم به راه فرارسیدن روزی است که امامش ظهور کند و احسان، نیکی، محبت، لطف و بخشش را در میان مردم گسترش دهد:

وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يُحْيِيَ ظُهُورُهُ لِيَنْتَشِرَ الْمَعْرُوفُ فِي النَّاسِ وَالْبِرُّ

(همو: ۳۰)

ترجمه: «و من امید دارم که ظهورش فرا می رسد و نیکی ها را در میان مردم می گستراند.» شاعر از امام می خواهد زمین را از هر بدی و پلیدی پاک و مطهر سازد و انتقام خون های ریخته شده را بستاند:

وَ تَشْقَى بِهِ أَعْنَاقُ قَوْمٍ تَطَوَّلَتْ فَتَأْخُذُ مِنْهَا حَظُّهَا الْبَيْضُ وَ السُّمُرُ

(همو)

کاظم الزاملی با به کارگیری فرازی از دعای ندبه خطاب به امام عصر (عج) چنین بیان می دارد:

أَنْتَ الْمُعِدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ ظَالِمٍ وَمَلَأَ كُلَّ الْمُتَّقِينَ لَوَْاكَا
يَا مَالِي الدُّنْيَا بِنُورِكَ بَعْدَ مَا سَادَ الظُّلَامُ وَ اتَّخَمَتِ أَشْوَا
يَا هَادِمًا مُدْنَ الصَّلَاةِ وَالرَّذَى وَ مَعَزَّ كُلَّ الْمَذْقَعِينَ عَظَاكَا

ترجمه: «شما برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران مهیا گردیده‌ای؛ پرچم شما پناه همهٔ پرهیزکاران است.

و پس از آن که تاریکی همه جا را فراگیرد شما دنیا را از نور سرشار خواهی ساخت.
گمراهی و هلاکت را از بین خواهی برد و عطا و بخشش شما ذلیلان را عزیز خواهد گردانید.»

نتیجه

اعتقاد به ظهور منجی در آینده بشر و در پایان تاریخ، از آرمان‌های مشترک تمامی ادیان و اقوام و ملل مختلف جهان است. منجی و موعودی که بساط ظلم را برچیند و حکومتی سرشار از عدل و داد را به ارمغان آورد. موعود مسلمانان نیز مهدی منتظر علیه السلام است. این اندیشه و اعتقاد به ظهور منجی، در آینه شعر عربی نیز نمایان گشته و «مهدویات» گستره وسیعی از ادبیات شیعی را فرا گرفته است.

شاعران معاصر با سرودن اشعاری، ارادت خالصانه خود را به ساحت مقدس حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام ابراز می‌دارند. شاعران این دوره از ولادت امام عصر علیه السلام سخن می‌گویند و با اشعارشان این خجسته میلاد را گرمی می‌دارند و به یکدیگر شادباش و تهنیت می‌گویند. حتی برخی آن را نعمتی عظیم برمی‌شمرند که هیچ کس را توان شکرگزاری آن نیست.

غیبت امام، یکی دیگر از موضوعات اشعار این شاعران است. آنان از انواع غیبت و فواید آن سخن به میان می‌آورند؛ از حزن و رنجوری و سرگردانی خویش در دوران غیبت می‌گویند و در فراق، گریه سر می‌دهند و ندبه می‌کنند. اما ایمان به منجی غایب، جرقه امیدی در درونشان است. از این رو ناامید نمی‌شوند و بی‌صبرانه در انتظار مولایشان زمانه را سپری می‌کنند و می‌دانند که همانا بعد از هر سختی، آسانی است.

شاعران در اشعارشان از امام عصر علیه السلام با عنوان و لقب «خورشید» یاد می‌کنند؛ چرا که در احادیث خوانده‌اند که بهره‌مندی از امام علیه السلام در عصر غیبت همچون بهره‌مندی از خورشید پشت ابراست.

شاعران از مصیبت عظیم کربلا می‌گویند و از امام عصر علیه السلام عاجزانه طلب می‌کنند به پا خیزد و تقاص خون به ناحق ریخته شدهٔ مولا و سرورشان امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش را بازستاند؛ زیرا شیعه همچنان عزادار و سیه‌پوش مولایش حسین علیه السلام است و داغی کهنه و بزرگ از آن مصیبت عظیم بر سینه دارد.

شاعران از ظلم و جور زمانه به محضر ولی عصر علیه السلام شکوه می‌کنند؛ از ظلم‌هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت‌هایی که به شیعیان می‌شود سخن می‌رانند. آنان مظلومیت شیعه را یادآور می‌شوند و امام علیه السلام را دعوت به قیام می‌کنند.

شاعران به طلوع فجر ظهور منجی موعود امیدوارند؛ همان موعودی که یکی از مهم‌ترین اقداماتش پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد است. آنان پس از سرایش شعر دربارهٔ فراگیری ظلم و ستم و طلب ظهور حضرت، از جامعه و حکومتی سرشار از عدل و داد، راستی و درستی و امنیت و پاکی سخن می‌گویند؛ چرا که می‌دانند پایان و نهایت تاریکی و سیاهی، نور و روشنایی است.

منابع

- ابن عربی، محمد بن علی، *دیوان الاکبر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۹م.
- اختری، عباسعلی، *نقش انتظار در سیر تاریخ*، تهران، انتشارات موسسه الامام المهدی، ۱۳۶۰ش.
- اسدی، کمیت بن زید، *دیوان*، تدوین: محمد نبیل الطریفی، بیروت، دارصادر، ۲۰۰۰م.
- امینی، ابراهیم، *دگستر جهان*، قم، انتشارات شفق، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.
- حامدی، محمد مهدی، *دشمنان مهدویت، چرا و چگونه*، تهران، نسل کوثر، ۱۳۸۶ش.
- حسینی، سید جواد سید حسین، *الامام المهدی و ظهوره*، کویت، السالمیة، مكتبة دار الارشاد، ۱۹۸۵م.
- حلی، سید جعفر، *سحر البابل وسجع البابل*، تحقیق: محمد حسین آل کاشف الغطاء، قم، منشورات الرضی، ۱۹۹۱م.
- حلی، سید حیدر، *دیوان*، تحقیق: علی خاقانی، بیروت، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۴م.
- خزاعی، دعبل، *دیوان*، تحقیق: عبدالصاحب الدجیلی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۹۷۲م.
- سیاحی، صادق، *الادب الملتزم بحب اهل البيت*، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
- صدر، سید محمد باقر، *امام مهدی علیه السلام حماسه ای از نور*، ترجمه و تصحیح: کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات مؤسسة الامام المهدی، ۱۳۹۸ق.
- عبداللهی، محمود، *سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۹ق.
- قائمی، علی، *نگاهی به مسئله انتظار*، قم، انتشارات هجرت، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۴ق.
- موسوی، سید محمد، *سپیده دم ظهور حکومت جهانی*، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۴ش.
- موسوی هندی، سید رضا، *دیوان*، ترجیع و تعلیق: عبدالصاحب موسوی، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۸م.